

Structural Modeling of the Relationship Between Alexithymia and Coping Styles with the Mediating Role of Attachment Styles in Adolescent Girls with Inadequate Parental Care

Yeganeh Morabihervi^{1*}, Mahdi Nayyeri¹, Hashem Pazhouhsh¹

1. Department of Psychology, Torbat Jam Branch, Islamic Azad University, Torbat Jam, Iran.

*Corresponding Author: Yeganeh Morabihervi, E-mail: morabiyegane@gmail.com

Received: 31/05/2026

Revised: 08/08/2026

Published: 11/08/2026

ABSTRACT

Introduction: Adolescence is a critical developmental period characterized by profound changes and personality formation that shape individuals' capacity to cope with life challenges. Inadequate parental care is associated with a range of adverse psychological consequences, and adolescents experiencing inadequate parental care are more likely to rely on maladaptive coping styles. Given that alexithymia and attachment styles are among the factors associated with coping styles, the present study aimed to examine the relationship between alexithymia and coping styles, with attachment styles as mediating variables, in adolescent girls with inadequate parental care.

Methods: This descriptive-correlational study employed structural equation modeling to examine the proposed model. The study population comprised all adolescent girls with inadequate parental care residing in welfare facilities in Mashhad, Iran, in 2025. A total of 100 participants were recruited using convenience and voluntary sampling. Participants completed three questionnaires assessing alexithymia, coping styles, and attachment styles. Descriptive statistics (means and variances) and inferential statistics (path analysis) were used to analyze the data. SPSS version 22 was used for descriptive and basic inferential analyses, and SmartPLS 3 was used for structural equation modeling.

Results: The results indicated that alexithymia had significant direct effects on emotion-focused coping ($\beta = 0.406$), problem-focused coping ($\beta = -0.325$), and avoidance-focused coping ($\beta = 0.388$; $p < 0.01$). Furthermore, alexithymia had significant indirect effects on emotion-focused coping through avoidant attachment ($\beta = 0.201$), on problem-focused coping through ambivalent attachment ($\beta = -0.125$), and on avoidance-focused coping through avoidant attachment ($\beta = 0.300$; $p < 0.05$). Alexithymia also had significant direct effects on avoidant attachment ($\beta = 0.545$) and ambivalent attachment ($\beta = 0.601$; $p < 0.01$). The model demonstrated an acceptable fit, as indicated by the NFI (0.958) and SRMR (0.070) indices.

Conclusion: The findings suggest that alexithymia is associated with coping styles through the mediating role of attachment styles, particularly avoidant and ambivalent attachment. Specifically, alexithymia appears to reinforce emotion-focused and avoidance-focused coping through avoidant attachment, while weakening problem-focused coping through ambivalent attachment. These findings underscore the importance of developing interventions targeting attachment security and emotional regulation in adolescent girls experiencing inadequate parental care.

Keyword: Alexithymia; Coping Styles; Attachment Styles; Adolescent Girls with Inadequate Parental Care.

CITATION: Morabi Heravi Y, Niri M, Pazhoohesh H. Structural modeling of the relationship between alexithymia and coping styles mediated by attachment styles in adolescent girls with inadequate guardianship. Journal of Saveh University of Medical Sciences, 2026; 2(2): 66 - 78. doi: [10.22034/sumsj.2026.584300.1116](https://doi.org/10.22034/sumsj.2026.584300.1116)

Copyright © 2025 Journal of Saveh University of Medical Sciences. Published by Saveh University of Medical Sciences.



This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted,

provided the original work is properly cited.

مدل‌یابی ساختاری رابطه ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی در دختران نوجوان بدسرپرست

یگانه مربی هروی^{۱*}، مهدی نیری^۱، هاشم پژوهش^۱

۱. گروه روانشناسی، واحد تربت جام، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت جام، ایران.

* نویسنده مسئول: یگانه مربی هروی، ایمیل: morabiyegane@gmail.com

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰

چکیده

مقدمه: نوجوانی دوره تغییرات عمیق و شکل‌گیری شخصیت برای مقابله با مسائل زندگی است. از سوی دیگر، بدسرپرستی با آسیب‌های متعددی همراه است و نوجوانان بدسرپرست بیشتر از سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد استفاده می‌کنند. از آنجا که ناگویی هیجانی و سبک‌های دلبستگی از متغیرهای مرتبط با سبک‌های مقابله‌ای هستند، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ناگویی هیجانی با سبک‌های مقابله‌ای با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی در دختران نوجوان بدسرپرست انجام شد.

روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود که با استفاده از روش مدل‌یابی علی انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش را کلیه دختران بدسرپرست حاضر در بهزیستی شهر مشهد در سال ۱۴۰۴ تشکیل دادند. از میان جامعه آماری، به روش نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه، ۱۰۰ نفر به عنوان واحد پژوهش انتخاب و به سه پرسشنامه ناگویی هیجانی، پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی پاسخ دادند. به منظور تحلیل داده‌های این پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و واریانس) و آمار استنباطی (تحلیل مسیر) استفاده شد. به منظور تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS-22 برای محاسبات توصیفی و استنباطی پایه و از نرم‌افزار PLS-3 برای مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که مقابله هیجان‌مدار با ناگویی هیجانی ($\beta = 0/406$)، مقابله مساله‌مدار با ناگویی هیجانی ($\beta = -0/325$)، مقابله اجتنابی با ناگویی هیجانی ($\beta = 0/388$)، به طور مستقیم و معنادار رابطه دارد ($p < 0/01$). علاوه بر این، اثر غیرمستقیم مقابله هیجان‌مدار از ناگویی هیجانی با واسطه سبک اجتنابی ($\beta = 0/201$)، مقابله مساله‌مدار از ناگویی هیجانی با واسطه سبک دوسوگرا ($\beta = -0/125$) و مقابله اجتنابی از ناگویی هیجانی با واسطه سبک اجتنابی ($\beta = 0/300$) می‌باشد ($p < 0/05$). همپنین سبک دلبستگی بین ناگویی هیجانی با سبک‌های مقابله‌ای نقش میانجی‌گرایانه دارد ($NFI = 0/958$ و $SRMR = 0/07$).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌ها، ناگویی هیجانی با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی (به ویژه سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا) بر سبک‌های مقابله‌ای دختران نوجوان بدسرپرست تأثیر می‌گذارد؛ به طور مشخص، ناگویی هیجانی از مسیر دلبستگی اجتنابی، سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و اجتنابی را تقویت و از مسیر دلبستگی دوسوگرا، سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار را تضعیف می‌کند. این یافته‌ها بر ضرورت طراحی مداخلات مبتنی بر بهبود دلبستگی و تنظیم هیجانی در این گروه تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: ناگویی هیجانی، سبک‌های مقابله‌ای، سبک‌های دلبستگی، دختران بدسرپرست

ارجاع: مربی هروی یگانه، نیری مهدی، پژوهش هاشم. مدل‌یابی ساختاری رابطه ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی در

دختران نوجوان بدسرپرست. مجله دانشکده علوم پزشکی ساوه ۱۴۰۵؛ ۲ (۲): ۶۶-۷۸. doi: 10.22034/sumsj.2026.584300.1116

حق انتشار این مستند، متعلق به مجله علوم پزشکی ساوه است. ۱۴۰۵. © ناشر این مقاله، دانشکده علوم پزشکی ساوه است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)



مقدمه

نوجوانی دوره تغییرات عمیقی است که کودکی را از بزرگسالی جدا می‌سازد. نوجوانی در وهله اول دگرگون شدن و تغییر یافتن است ولی در عین حال، دوره شکل‌گیری و مجهز شدن برای مقابله با مسائل زندگی نیز هست، مسائلی که در زندگی روزمره در اجتماع بزرگسالان مطرح می‌شوند و نوجوان باید در مقابل آنها موضع مشخص و واضحی داشته باشد. لذا مهمترین پدیده نوجوانی، تحول شخصیت و کسب توانمندی‌های لازم برای مواجهه با مسائل زندگی است که در ابعاد مختلف بر رفتار نوجوان تاثیر می‌گذارد (۱).

از طرفی بی‌سرپرستی و بدسرپرستی با آسیب‌های متعددی همراه است. بسیاری از این نوجوانان در معرض سوء استفاده‌های جسمانی و جنسی بوده‌اند و نیز در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی و رفتار مجرمانه^۱ قرار دارند. بدسرپرستی ترومایی است که با به جا گذاشتن زخم‌هایی پایدار، تمام ابعاد زندگی نوجوانان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (۲). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که بین دو گروه نوجوانان بدسرپرست و عادی در میزان افسردگی، سازگاری اجتماعی، احساس انسجام، گوشه‌گیری، خودپنداره و احساس عدم امنیت تفاوت معناداری وجود دارد (۳).

در همین زمینه پژوهش وانگ و همکاران (۴) نشان داد که یکی از مشکلات نوجوانان بدسرپرست، استفاده بیشتر از سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد در مقایسه با نوجوانان عادی می‌باشد. به عبارتی به نظر می‌رسد نوجوانان بدسرپرست، از سبک‌های هیجان‌مدار و اجتنابی بیشتر و از سبک حل مسئله کمتر استفاده می‌نمایند. سبک‌های مقابله به مجموعه تلاش‌های شناختی و رفتاری فرد برای مدیریت، کاهش یا تحمل موقعیت‌های تنش‌زا گفته می‌شود. در جهت تغییر و تفسیر و

اصلاح یک وضعیت تنش‌زا به کار می‌رود و منجر به کاهش رنج ناشی از آن می‌شود (۵، ۶). این تلاش‌ها می‌توانند به صورت مقابله مسئله‌مدار، با هدف مواجهه و حل منبع استرس، یا مقابله هیجان‌مدار، با هدف تنظیم پاسخ‌های هیجانی ناشی از استرس، صورت گیرند. (۷). از دیدگاه لازاروس و فولکمن، هر دو فرایند مسئله‌مدار و هیجان‌مدار در مواجهه با استرس اهمیت دارند و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مناسب می‌تواند به کاهش فشار روانی و سازگاری بهتر فرد با موقعیت‌های تنش‌زا کمک کند (۸).

از طرفی پژوهش مختلف نشان دادند که یکی از متغیرهای مرتبط با سبک‌های مقابله‌ای، ناگویی هیجانی^۲ می‌باشد (۹). همچنین پژوهش خان و جافی (۱۰) حاکی از پایین تر بودن ناگویی هیجانی در نوجوانان بدسرپرست در مقایسه با نوجوانان عادی بود. ناگویی هیجانی به معنی ناتوانی در بیان احساسات و فقدان آگاهی هیجانی است. افراد مبتلا به ناگویی هیجانی به طور معمول قادر به شناسایی، درک و یا توصیف هیجانات خویش نیستند. ناگویی هیجانی در برگرفته ویژگی دشواری در تشخیص و شناسایی احساسات، دشواری در بیان و توصیف احساسات و تمرکز بر تجارب بیرونی است (۱۱). کاهش ابراز هیجانات اساساً بیانگر نوعی فقدان یا بدتنظیمی هیجانات است. به همین صورت آسیب در ظرفیت‌های پردازش هیجانی^۳ و تنظیم هیجانی مبتنی بر ناگویی هیجانی ممکن است یک عامل خطر احتمالی برای انواع مشکلات فردی و بین فردی نوجوانان باشد (۱۲).

افراد با ناگویی هیجانی تهییج‌های بدنی ناپه‌نجار را بزرگ می‌کنند، نشانه‌های بدنی انگیزختگی هیجانی را بد تفسیر می‌کنند و درماندگی هیجانی را از طریق شکایت‌های بدنی نشان می‌دهند. این افراد مشکلاتی در خود نظم‌دهی دارند به عبارت

^۱ Crime behaviors

^۲ Alexithymia

^۳ Processing emotional

و آرورا (۲۱) نیز از روابط بین متغیرهای پژوهش خبر می‌دهند.

از آنجایی که مطابق نظریه بالبی، سبک‌های مقابله افراد و ابراز هیجانات آنها می‌تواند تحت تاثیر سبک‌های دلبستگی باشد و همچنین در پژوهش‌های قبلی به ارتباط سبک‌های دلبستگی با ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته است اما با نقش میانجی سبک‌های دلبستگی مورد پژوهش قرار نگرفته است. بنابراین با توجه به اهمیت سنین نوجوانی و نقش سبک‌های مقابله‌ای بر سلامت فردی و بین فردی نوجوانان بدسرپرست و ضرورت بررسی متغیرهای مرتبط با آن و با توجه به اینکه پژوهشی منسجم در خصوص موضوع، یافت نشد، محقق در این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سوال است که "آیا سبک دلبستگی در رابطه بین ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای در دختران بدسرپرست نقش میانجی دارد؟"

روش

پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دختران نوجوانان بدسرپرست مراجعه‌کننده به بهزیستی شهر مشهد در سال ۱۴۰۴ بود. از میان جامعه آماری، به روش نمونه‌گیری دردسترس و داوطلبانه، با استفاده از G*Power تعداد ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و به سه پرسشنامه ناگویی هیجانی (بگی، پارکر و تیلور، ۱۹۹۴)، پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای (اندلر و پارکر، ۱۹۹۰) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (هاوزن و شیور، ۱۹۹۵) پاسخ دادند.

برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار G*Power نسخه ۳.۱.۹.۷ با رویکرد تحلیل توان پیش از پژوهش (a priori) استفاده شد. آزمون آماری مورد نظر، تحلیل رگرسیون خطی چندگانه (F tests – Linear multiple regression:)

دیگر، دچار ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و نظم‌دهی هیجان‌ها هستند (۱۳).

از سوی دیگر پژوهش رضاقلیان (۱۴) نشان داد که یکی از متغیرهای پیش‌بینی‌کننده بهزیستی روانشناختی در نوجوانان بدسرپرست، سبک‌های دلبستگی^۴ می‌باشد. همچنین پژوهش عارفی و همکاران (۱۵) نشان داد که رابطه مثبتی بین سبک دلبستگی ایمن و هر یک از سبک‌های مقابله‌ای وجود دارد. دلبستگی و روابط مناسب با والدین از مهم‌ترین عوامل اجتماعی-عاطفی مرتبط با زندگی دارای کیفیت است. دلبستگی را می‌توان یک پیوند احساسی بین کودک و والدینش تعریف کرد که کودک از آن به عنوان مکان امن و منبع آرامش استفاده می‌کند و بر روابط بین فردی او در آینده بسیار اثرگذار است (۱۶). از نظر بالبی سبک‌های ارتباطی ناکارآمد با فرزندان، دلبستگی ناایمن دوسوگرا یا دلبستگی ناایمن اجتنابی را ایجاد می‌نماید (۱۷). این طبقه بندی بالبی نشان می‌دهد که بازنمایی شناختی خود و انتظارات از نحوه رفتار دیگران در روابط اجتماعی، فرآیندهای کلیدی در تعاملات بین فردی هستند. دلبستگی ایمن که بر پایه پیوندهای عاطفی بین نوزاد و مراقبان اصلی در دوران کودکی بنا شده، قادر است بر ذهنیت آتی افراد درباره خود و تعامل با محیط پیرامون آنها تأثیر بگذارد (۱۸). سبک دلبستگی ناایمن نسبت به خود یا دیگران، باعث به وجود آمدن حس امنیت بسیار پایین و احساس گناه بالا در درون می‌شود و این افراد در زمان مواجه شدن با تنش‌ها و آشفتگی‌های روزمره مستعد خلق افسرده هستند (۱۹). بنابراین سبک دلبستگی افراد می‌تواند نقش به‌سزایی در بروز هیجانات و همچنین در نتیجه روابط بین فردی افراد ایفا کند. در این راستا پژوهش‌های دیگر مانند پژوهش ژانگ و همکاران (۲۰)

^۴attachment styles

ابزار پژوهش

پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو

این مقیاس توسط بگبی، پارکر و تیلور (۲۲) ساخته شده و ۲۰ ماده را در سه خرده مقیاس دشواری در تشخیص احساس‌ها (۷ ماده)، دشواری در توصیف احساس‌ها (۵ ماده) و تفکر برون مدار (۸ ماده) ارزیابی می‌کند که در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) می‌سند. یک نمره کل نیز از جمع نمره‌های سه خرده مقیاس برای ناگویی هیجانی محاسبه می‌شود. این سه عامل بیانگر جنبه‌های مجزای ناگویی هیجانی هستند و اعتبار آنها از لحاظ تجربی مورد تایید قرار گرفته است. عامل ۱ (مشکل در تشخیص احساسات) شامل آیتم‌های ۱، ۳، ۶، ۷، ۹، ۱۳، ۱۴؛ عامل ۲ (مشکل در توصیف احساسات) شامل آیتم‌های ۲، ۴، ۱۱، ۱۲، ۱۷ و عامل ۳ (تفکر برون‌مدار) شامل آیتم‌های ۵، ۸، ۱۰، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ است. جمع نمرات بین ۲۰ تا ۱۰۰ است و کسی که نمره بیشتر از ۶۱ کسب کند دارای ناگویی هیجانی است. ویژگی‌های روانسنجی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ در پژوهش‌های متعددی بررسی و تایید شده است (۲۲). به منظور بررسی روایی و پایایی پرسشنامه، در نسخه فارسی ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی ۰/۷۵ و ۰/۷۲ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس بر اساس ضریب همبستگی پیرسون بین ناگویی هیجانی کلی و مقیاس‌های هوش هیجانی، بهزیستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز وجود سه عامل دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر برون مدار را در نسخه فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ تأیید کردند. پایایی بازآزمایی این مقیاس در یک نمونه ۶۷ نفری در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای ناگویی هیجانی کلی و خرده مقیاس‌های مختلف تأیید شد (۲۳). لازم به ذکر است، پایایی این

Fixed model, R^2 deviation from zero) بود.

پارامترهای ورودی عبارت‌اند از: اندازه اثر متوسط $f^2=0/15$ بر اساس معیار کوهن (۱۹۸۸)، سطح خطای نوع اول (آلفا) برابر ۰/۰۱، توان آماری $(1-\beta)$ برابر ۰/۸۰ و تعداد متغیرهای پیش‌بین مدل برابر ۴ (نمره ناگویی هیجانی به همراه سه سبک دلبستگی). بر این اساس حداقل حجم نمونه لازم ۸۵ نفر برآورد شد. با توجه به احتمال افت آزمودنی (ریزش) و وجود پرسشنامه‌های ناقص، حدود ۱۵ درصد به این تعداد افزوده شد و حجم نمونه نهایی ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد. شایان ذکر است توان آماری به دست آمده با حجم نمونه نهایی ۱۰۰ نفر (با همان پارامترها) حدود ۰/۸۷ برآورد می‌شود که از سطح مطلوب ۰/۸۰ فراتر است.

ملاک‌های ورود شامل دختران نوجوان سن بین ۱۴ تا ۱۸ سال، اشتغال به تحصیل، مصرف نکردن داروهای روانپزشکی و شرکت نکردن در جلسات مشاوره و رواندرمانی طی سه ماه اخیر (بر اساس خودگزارشی دانش‌آموز) بود. ملاک خروج نیز شامل تکمیل نکردن کامل پرسشنامه بود.

برای اجرای پژوهش، ابتدا پژوهشگر به اداره بهزیستی شهر مشهد مراجعه کرد. ضمن ارائه معرفی‌نامه دانشگاه و کد اخلاق، اهداف پژوهش را توضیح داد. سپس پرسشنامه‌های پژوهش توسط کارشناسان حراست اداره بهزیستی شهر مشهد بررسی شد و مجوزهای لازم برای اجرای پژوهش صادر گردید.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش ملاحظات اخلاقی شامل این موارد بود: اطلاعات کتبی در مورد پژوهش به شرکت کنندگان، دادن اطمینان خاطر به آزمودنی‌ها در مورد محرمانه بودن اطلاعات و استفاده از آن فقط در امور تحقیقی، داوطلبانه بودن مشارکت افراد در مطالعه و اخذ رضایت کتبی از افراد شرکت کننده با توجه به وضعیت قانونی و سرپرستی آنها. لازم به ذکر است که کد اخلاق پژوهش به شناسه IR.IAU.TJ.REC.1404. 005 می‌باشد.

برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه سبک‌های مقابله با استرس در گروه دانشجویان از آلفای کرونباخ استفاده شده است که در مقابله مساله‌مدار $0/92$ و دختران $0/85$ و هیجان مدار پسران $0/82$ و دختران $0/85$ ، اجتنابی پسران $0/85$ و دختران $0/82$ به دست آمده است (۲۴). لازم به ذکر است، پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ در سه سبک مقابله مساله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی به ترتیب برابر با $0/81$ ، $0/79$ و $0/74$ بدست آمد.

پرسشنامه سبک دلبستگی هاوزن و شیور

این پرسشنامه توسط هاوزن و شیور در سال ۱۹۹۵ ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۲۱ سوال است که سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا را در مقیاس ۵ درجه-ای لیکرت (کاملاً مخالفم ۱، مخافم ۲، نظری ندارم ۳، موافقم ۴، کاملاً موافقم ۵) می‌سنجد. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسش‌های خرده مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دو سوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب $0/86$ ، $0/84$ ، $0/85$ برای دانشجویان دختر $0/86$ ، $0/83$ ، $0/84$ و برای دانشجویان پسر $0/84$ ، $0/85$ و $0/86$ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال بوده است. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب $0/80$ ، $0/61$ و $0/75$ محاسبه شد (۲۵). لازم به ذکر است، پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ در سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب برابر با $0/78$ ، $0/76$ و $0/80$ بدست آمد.

پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با $0/85$ بدست آمد.

پرسشنامه سبک‌های مقابله با استرس اندلر و پارکر

این پرسشنامه توسط اندلر و پارکر (۱۹۹۰) تهیه شده و به وسیله اکبرزاده (۱۳۷۶) ترجمه شده است. این تست شامل ۴۸ ماده است که پاسخ‌ها به روش لیکرت از هرگز (۱) تا همیشه (۵) مشخص شده است و سه زمینه اصلی سبک‌های مقابله ای را در برمی گیرد:

۱- مقابله مساله مدار یا برخورد فعال با مساله در جهت مدیریت و حل آن.

۲- مقابله هیجان مدار یا تمرکز بر پاسخ های هیجانی به مساله

۳- مقابله اجتنابی یا فرار از مساله

با توجه به اینکه به صورت ۵ درجه لیکرت می‌باشد حداکثر نمره برای هر ماده ۵ و حداقل ۱ می‌باشد. آزمودنی بایستی به همه سوالات پاسخ دهد. اگر آزمودنی تعداد ۵ سوال یا کمتر از ۵ سوال را جواب نداده باشد در زمان نمره گذاری پژوهشگر می‌تواند به این سوالات گزینه ۳ را علامت بزند. اما در غیر این صورت یعنی اگر بیش از ۵ سوال بدون پاسخ باشد آن پرسشنامه نمره‌گذاری نمی‌شود. دامنه تغییرات سه نوع رفتار رویارویی به این شکل است که نمره هر یک از سبک‌های مقابله‌ای سه گانه یعنی مسئله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی از ۱۶ تا ۸۰ است. به عبارتی شیوه رویارویی غالب فرد با توجه به نمره‌ای که در آزمون کسب می‌کند مشخص می‌شود. ضریب پایایی توسط هوریوچی و همکاران (۲۰۱۳) برای سبک مساله مدار $0/90$ ، برای سبک هیجان مدار $0/85$ و برای سبک اجتنابی $0/82$ برآورد شد.

جدول ۱. اعتبار و روایی متغیرهای پژوهش و خرده‌مقیاس‌های آنها

متغیر	پایایی	پایایی ترکیبی (CR)	روایی همگرا (AVE)
ناگویی هیجانی	$0/85$	$0/88$	$0/55$
سبک دلبستگی ایمن	$0/78$	$0/84$	$0/57$
سبک دلبستگی اجتنابی	$0/76$	$0/82$	$0/54$

حق انتشار این مستند، متعلق به مجله علوم پزشکی ساوه است. ۱۴۰۵ ©. ناشر این مقاله، دانشکده علوم پزشکی ساوه است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)



سبک دلبستگی دوسوگرا	۰/۸۰	۰/۸۵	۰/۵۶
مقابله مساله مدار	۰/۸۱	۰/۸۶	۰/۵۷
مقابله هیجان‌مدار	۰/۷۹	۰/۸۴	۰/۵۵
مقابله اجتنابی	۰/۷۴	۰/۸۱	۰/۵۲

شرکت کنندگان در گروه آزمایش $2/54 \pm 16/23$ سال بود. همانطور که یافته‌های توصیفی نشان می‌دهند، میانگین و انحراف معیار متغیرها به ترتیب در ناگویی هیجانی $62/51$ ، $1/42$ ؛ دلبستگی ایمن، $11/67$ ، $0/54$ ؛ اجتنابی، $20/20$ ، $0/53$ ؛ دوسوگرا، $20/26$ ، $0/58$ ؛ سبک مقابله مساله‌مدار، $20/22$ ، $49/22$ ؛ سبک مقابله هیجان‌مدار، $39/03$ ، $2/050$ و سبک مقابله اجتنابی نیز $41/85$ و $2/010$ می‌باشد.

به منظور تحلیل داده‌های این پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و واریانس) و آمار استنباطی (تحلیل مسیر) استفاده شد. به منظور تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار SPSS-22 برای محاسبات توصیفی و استنباطی پایه و از نرم‌افزار PLS-3 برای مدلسازی معادلات ساختاری استفاده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر تعداد ۱۰۰ نفر دختر نوجوان بدسرپرست به عنوان نمونه انتخاب گردید، میانگین و انحراف معیار سن

جدول ۲. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق

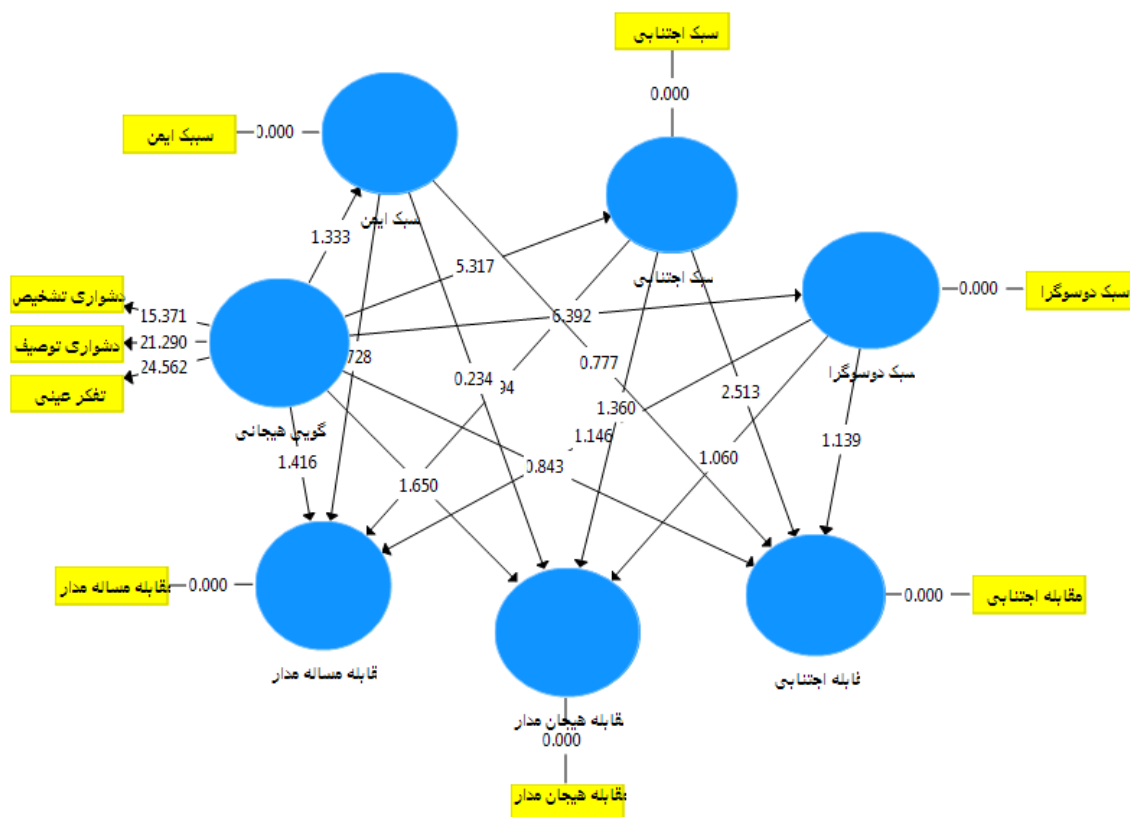
متغیر	میانگین	انحراف معیار
ناگویی هیجانی	نمره کل	۶۲/۵۱
	دشواری تشخیص احساسات	۲۱/۵۵
	دشواری توصیف احساسات	۱۵/۷۲
	تفکر عینی	۱۷/۱۳
سبک دلبستگی	ایمن	۱۱/۶۷
	اجتنابی	۲۰/۲۰
	دوسوگرا	۲۰/۲۶
سبک مقابله‌ای	مساله‌مدار	۴۹/۲۲
	هیجان‌مدار	۳۹/۰۳
	اجتنابی	۴۱/۸۵

جدول ۲. آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. ناگویی هیجانی	۱/۰۰۰						
۲. ایمن	۰/۰۶۸	۱/۰۰۰					
۳. اجتنابی	۰/۴۸***	-۰/۴۹***	۱/۰۰۰				
۴. دوسوگرا	۰/۵۴***	۰/۴۱***	۰/۶۸***	۱/۰۰۰			
۵. مساله‌مدار	-۰/۲۵***	-۰/۱۸	-۰/۲۸***	-۰/۳۴***	۱/۰۰۰		
۶. هیجان‌مدار	۰/۳۲***	۰/۱۶	۰/۴۱***	۰/۴۰***	-۰/۴۸***	۱/۰۰۰	
۷. اجتنابی	۰/۳۳***	-۰/۳۳***	۰/۵۵***	۰/۴۹***	-۰/۳۴***	۰/۲۵*	۱/۰۰۰

می‌دهد بین بیشتر متغیرهای پژوهش، همبستگی معنادار وجود دارد. در ادامه شکل ارتباط بین متغیرها نشان داده می‌شود.

با توجه به نتایج جدول ۳ که حاصل از همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش است، سطح معنی داری ضرایب همبستگی بیشتر متغیرها کمتر از ۱ درصد می باشد در نتیجه فرضیه صفر رد شده و فرضیه مقابل تایید می شود و نشان



شکل ۱. مدل پژوهش

و سبک دلبستگی دوسوگرا در سطح ۰/۰۱؛ ضرایب معنادار است و بین سایر متغیرها ضریب معناداری مشاهده نشد.

طبق نتایج بدست آمده رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و سبک مقابله اجتنابی در سطح $0/05$ ؛ بین ناگویی هیجانی و سبک دلبستگی اجتنابی در سطح $0/01$ ؛ بین ناگویی هیجانی

جدول ۴. ضرایب رگرسیونی متغیرهای مدل

معناداری	ضریب	آماره تی	شرح
۰/۰۱۲	۲/۵۱۳	۰/۳۶۱	سبک دلبستگی اجتنابی ->
۰/۰۰۰۱	۵/۳۱۷	۰/۵۴۵	سبک دلبستگی اجتنابی ->
۰/۰۰۰۱	۶/۳۹۲	۰/۶۰۱	سبک دلبستگی دوسوگرا ->

اجتنابی) و سبک مقابله‌ای (مقابله مساله مدار، مقابله هیجان مدار، مقابله اجتنابی) به ترتیب ۰/۳۲۱، ۰/۰۱۷، ۰/۲۸۳ و ۰/۰۵۷، ۰/۱۵۲، ۰/۲۸۳ بدست آمده است، نشان از پیش بینی قابل قبول مدل در مورد سازه های درون زای سبک های دلبستگی (دوسوگرا- ایمن- اجتنابی) و سبک مقابله‌ای (مقابله مساله مدار، مقابله هیجان مدار، مقابله اجتنابی) است. با توجه به مقادیر بدست آمده پیش بینی و برازش مناسب مدل ساختاری تایید می‌شود.

مقدار ضریب تعیین تعدیلی (R^2) برای متغیرهای سبک های دلبستگی (دوسوگرا- ایمن- اجتنابی) و سبک مقابله‌ای (مقابله مساله مدار، مقابله هیجان مدار، مقابله اجتنابی) به ترتیب برابر ۰/۳۶۱، ۰/۰۱۱، ۰/۲۹۷ و ۰/۱۴۶، ۰/۲۲۶، ۰/۳۴۲ است. طبق نتیجه به‌دست‌آمده مدل پژوهش، مدل در متغیرهای ملاک سبک های دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی و سبک مقابله‌ای هیجان مدار و اجتنابی از برازش برخوردار می‌باشد. همچنین با توجه به نتیجه به‌دست‌آمده مقدار Q^2 برای متغیر درون زای سبک های دلبستگی (دوسوگرا- ایمن-

جدول ۵. ضرایب مسیر استاندارد شده اثر مستقیم و غیرمستقیم و کل در مدل مسیر پیشنهادی

متغیر	متغیر ملاک	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
ناگویی هیجانی	مقابله هیجان مدار	۰/۲۰۵	۰/۲۰۱	۰/۴۰۶
ناگویی هیجانی	مقابله مساله مدار	-۰/۱۹۹	-۰/۱۲۵	-۰/۳۲۵
ناگویی هیجانی	مقابله اجتنابی	۰/۰۸۸	۰/۳۰۰	۰/۳۸۸
ناگویی هیجانی	سبک دوسوگرا	۰/۶۰۱	--	۰/۶۰۱
ناگویی هیجانی	سبک ایمن	-۰/۱۰۳	--	-۰/۱۰۳
ناگویی هیجانی	سبک اجتنابی	۰/۵۴۵	--	۰/۵۴۵
سبک دوسوگرا	مقابله هیجان مدار	۰/۱۴۲	--	۰/۱۴۲
سبک دوسوگرا	مقابله مساله مدار	-۰/۱۸۱	--	-۰/۱۸۱
سبک دوسوگرا	مقابله اجتنابی	۰/۱۵۸	--	۰/۱۵۸
سبک ایمن	مقابله هیجان مدار	۰/۰۲۵	--	۰/۰۲۵
سبک ایمن	مقابله مساله مدار	۰/۰۸۱	--	۰/۰۸۱
سبک ایمن	مقابله اجتنابی	-۰/۰۸۴	--	-۰/۰۸۴
سبک اجتنابی	مقابله هیجان مدار	۰/۲۱۷	--	۰/۲۱۷
سبک اجتنابی	مقابله مساله مدار	-۰/۰۱۵	--	-۰/۰۱۵
سبک اجتنابی	مقابله اجتنابی	۰/۳۶۱	--	۰/۳۶۱

واسطه سبک اجتنابی ۰/۲۰۱، مقابله مساله مدار از ناگویی هیجانی با واسطه سبک دوسوگرا -۰/۱۲۵ و مقابله اجتنابی از ناگویی هیجانی با واسطه سبک اجتنابی ۰/۳۰۰ می باشد ($p < ۰/۰۵$). بنابراین، فرضیه پژوهش مبنی بر نقش میانجی

با توجه به مسیرهای پیش بینی شده در مدل، مقابله هیجان مدار از ناگویی هیجانی ۰/۲۰۵، مقابله مساله مدار از ناگویی هیجانی -۰/۱۹۹، مقابله اجتنابی از ناگویی هیجانی ۰/۰۸۸ به طور مستقیم و معنادار تاثیر می پذیرد ($p < ۰/۰۱$). علاوه بر این، اثر غیرمستقیم مقابله هیجان مدار از ناگویی هیجانی با

سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای تأیید شد. در ادامه شاخص‌های برازش

جدول ۶. شاخص‌های برازش مدل

SRMR	NFI	Normed Chi-square
۰/۰۷۰	۰/۹۵۸	۲/۸۵

میانجی‌گرایانه‌ای بین ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای ایفا می‌کند. این روابط به گونه‌ای برقرارند که سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی نقش واسطه‌ای را بین سبک مقابله افراد و ناگویی هیجانی آنها ایفا می‌کنند.

یافته حاضر با نتایج برخی پژوهش‌های پیشین همسو است برای مثال پژوهش ژانگ و همکاران (۲۶)، درباره رابطه بین ناگویی خلقی، تنهایی، تاب‌آوری و خودآزاری غیر خودکشی در نوجوانان مبتلا به افسردگی: یک مطالعه چند مرکزی، نشان دادند که بین ناگویی هیجانی، تاب‌آوری و خودآزاری نوجوانان مبتلا به افسردگی رابطه معناداری برقرار است. همچنان آرورا (۲۱) نشان داد که سبک‌های دلبستگی اوایل کودکی در پیش‌بینی تنظیم هیجان و مکانیسم‌های مقابله‌ای در نوجوانان نقش دارد و رابطه مثبتی بین سبک دلبستگی ایمن و هر یک از سبک‌های مقابله‌ای وجود دارد. دلبستگی و روابط مناسب با والدین از مهم‌ترین عوامل اجتماعی-عاطفی مرتبط با کیفیت زندگی هستند. دلبستگی ایمن که بر پایه پیوندهای عاطفی بین نوزاد و مراقبان اصلی در دوران کودکی بنا شده می‌تواند بر الگوهای ذهنی و شناختی فرد در آینده و نحوه تعامل او با محیط پیرامون تأثیر بگذارد

درباره خود و تعامل با محیط پیرامون آنها تأثیر بگذارد. سبک دلبستگی ناایمن نسبت به خود یا دیگران، باعث به وجود آمدن حس امنیت بسیار پایین و احساس گناه بالا در درون می‌شود و این افراد در زمان مواجه شدن با تنش‌ها و آشفتگی-های روزمره مستعد خلق افسرده هستند (۲۷).

دلبستگی زمینه‌ساز نحوه برخورد فرد با مسائل زندگی بوده و شیوه نگرش فرد را نسبت به مسائل و مشکلات مشخص می‌سازد. بنابراین افراد دارای دلبستگی ایمن در رویارویی با

طبق نتایج بدست آمده از بررسی شاخص‌های برازش مدل، مقدار SRMR به عنوان تفاوت بین همبستگی مشاهده شده و ماتریس همبستگی ضمنی مدل تعریف می‌شود بنابراین، امکان ارزیابی میانگین بزرگی اختلافات بین همبستگی‌های مشاهده شده و مورد انتظار را به عنوان معیار مطلق معیار برازش (مدل) فراهم می‌کند. مقدار کمتر از ۰/۱۰ یا ۰/۰۸ یک تناسب خوب در نظر گرفته می‌شود. هنسلر و همکاران (۲۰۱۴) SRMR را به عنوان یک معیار مناسب برای PLS-SEM معرفی کردند که می‌تواند برای جلوگیری از تعیین نادرست مدل استفاده شود، که در نتیجه این مدل مناسب می‌باشد؛ مقدار NFI برای مقادیر بالای ۰/۹ قابل قبول و نشانه برازندگی مدل است، در نتیجه این شاخص نیز تأیید می‌شود؛ و در مورد شاخص Normed Chi-square که شباهت یک مدل نظری با مدل واقعی را نشان می‌دهد، چنانچه این مقدار کوچکتر از ۲ باشد مطلوب است و اگر از ۵ کوچکتر باشد با اغماض قابل قبول است. شاخص خی-دو بهنجار شده در این پژوهش مناسب است. در نتیجه می‌توان گفت مدل پژوهش از برازش قابل قبولی برخوردار است.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه ناگویی هیجانی با سبک‌های مقابله‌ای با نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در دختران بدسرپرست انجام شد. بدین معنا که بین ناگویی هیجانی با سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله‌ای و بین سبک‌های دلبستگی با سبک‌های مقابله‌ای در دختران بدسرپرست رابطه معنادار وجود دارد. همچنین سبک‌های دلبستگی نقش

مسائل و مشکلات سبک‌های مقابله‌ای فعال استفاده می‌کنند و افرادی که از سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) برخوردارند از الگوی شناخت‌های موافق با عاطفه برای کاهش عواطف منفی خود و نیز مهارت‌های مقابله‌ای اجتنابی و هیجان‌مدار) استفاده می‌کنند. دلبستگی‌های ناایمن معمولاً با نگرش‌ها و هیجان‌های منفی‌تر نسبت به خود و دیگران همراه است. برای مثال دلبستگی ناایمن اضطرابی با عدم اطمینان و ترس از دوست داشته نشدن همراه است و شرایطی که دلبستگی اجتنابی و اضطرابی ترویج دهنده نگرش و احساس‌های ناخوشایند نسبت به خود، دیگران و محیط است، شفقت به خود نیازمند یک موضع مثبت در قبال خود است که بیانگر نگرش و احساس‌های مثبتی مانند مهربانی نسبت به خود است (۲۸).

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، مقطعی بودن طرح پژوهش، خودگزارشی بودن پرسشنامه‌ها و احتمال سوگیری پاسخ، عدم امکان استنتاج علی، محدود بودن جامعه پژوهش به دختران نوجوان بدسرپرست حاضر در بهزیستی شهر مشهد و در دسترس بودن روش نمونه‌گیری، می‌باشد لذا باید در تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها احتیاط کرد. بنابراین در پژوهش‌های دیگر به بررسی طولی و نقش متغیرهای پژوهش پرداخته شود و همچنین از سایر روش‌های سنجش همچون مصاحبه استفاده گردد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه در شهرها و فرهنگ‌های دیگر بر روی سایر نوجوانان و جوانان نیز اجرا شود تا نتایج پژوهش‌ها با هم قابل مقایسه باشند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی رابطه ناگویی هیجانی با سبک‌های مقابله‌ای با نقش میانجی سبک‌های دلبستگی در دختران

نوجوان بدسرپرست پرداخت. نتایج نشان داد که بین ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای ارتباط معناداری وجود دارد و همچنین سبک‌های دلبستگی نقش میانجی را در این رابطه ایفا می‌کند. به عبارت بهتر ناگویی هیجانی از مسیر دلبستگی اجتنابی، سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و اجتنابی را تقویت و از مسیر دلبستگی دوسوگرا، سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار را تضعیف می‌کند. این یافته‌ها بر ضرورت طراحی مداخلات مبتنی بر بهبود دلبستگی و تنظیم هیجانی در این گروه تأکید دارد.

ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل این مطالعه، از گردآوری داده‌ها تا تحلیل و ثبت نتایج، ملاحظات و اصول اخلاقی به طور کامل رعایت شده است.

کد اخلاق

IR.IAU.TJ.REC.1404. 005

تضاد منافع

در این مطالعه هیچگونه تعارض منافی برای نویسندگان وجود نداشت.

حمایت مالی

این مطالعه از حمایت مالی سازمان یا نهاد خاصی برخوردار نبوده است.

سهم نویسندگان

همه نویسندگان در طراحی، نگارش مطالعه و گردآوری داده‌ها همکاری داشتند.

References

1. Yıldırım M, Batmaz H, Yıldırım-Kurtuluş H, Kurtuluş E. Associations between psychological capital, internalizing and externalizing problems, perceived stress, emotional, social, and psychological Well-Being in adolescents. *Youth & Society*. 2025;0044118X251317538.
2. Morroni D, Konstantinou P, Gkleka C, Kassianos AP, Karekla M. Examining cognitive behavioral therapy interventions for unaccompanied minors: a systematic review and qualitative research synthesis. *European Child & Adolescent Psychiatry*. 2023. 45 (3): 141- 150.
3. Grande TJ, Czajkowski N, Nes RB, Haghish E. Teens and Truth-Telling: Mental Health and Well-Being Indicators of Self-Reported Dishonesty in Surveys. 2025.
4. Wang B, Chen L, Hu C, Hu Z, Zhang W, Cheng F, Liu L. Parenting styles and adolescent coping methods: a comparative study of non-suicidal self-injury and distinct groups. *BMC psychiatry*. 2025;25(1):611.
5. Pan Q, Fu W, Zhang Y. Exploring the relationship between coping styles and well-being among Chinese university students: A longitudinal study based on the transactional stress model. *Applied Psychology: Health and Well-Being*. 2024;16(4):1584-605.
6. Horiuchi S, Tsuda A, Aoki S, Yoneda K, Sawaguchi Y. Coping as a mediator of the relationship between stress mindset and psychological stress response: A pilot study. *Psychology research and behavior management*. 2018;47-54.
7. Sadock BJ, Sadock VA. Kaplan and Sadock's pocket handbook of clinical psychiatry: Lippincott Williams & Wilkins; 2010.
8. Morales-Rodríguez FM, Pérez-Mármol JM. The role of anxiety, coping strategies, and emotional intelligence on general perceived self-efficacy in university students. *Frontiers in psychology*. 2019;10:1689.
9. Sulejmani H, Pop-Jordanova N. When Words Fail: Investigating Alexithymia And Coping Strategies In Adolescent Mental Health. *Prilozi (Makedonska akademija na naukite i umetnostite Oddelenie za medicinski nauki)*. 2025;46(3):15-26.
10. Khan AN, Jaffee SR. Alexithymia in individuals maltreated as children and adolescents: a meta-analysis. *Journal of child psychology and psychiatry*. 2022;63(9):963-72.
11. Donges U-S, Suslow T. Alexithymia and automatic processing of emotional stimuli: a systematic review. *Reviews in the Neurosciences*. 2017;28(3):247-64.
12. Ye Q-y, Zhang S-y, He X-l, Yang Y-q, Ni K, Yang H-x, et al. Interrelationships between childhood trauma, alexithymia, and depressive symptoms: A network analysis and replication. *Child Abuse & Neglect*. 2026;172:107877.
13. Simsekoglu R, Akbas E, Sandor S, Demirci H, Tombul T. Theory of mind and alexithymia in patients with cryptogenic frontal lobe epilepsy. *Epilepsy & Behavior*. 2026;175:110841.
14. Rezagholiyan M, Nemati F, Hashemi T. Development of a Model of Students' Subjective Well-Being Based on Attachment Styles, Self-Compassion, and Emotion Regulation Styles with the Mediating Role of Quality of Life. 2025.
15. Arefi AN, Pirmoradi M, Tajrishi KZ, Ashouri A. Effectiveness of adoption-specific therapy on behavioral problems and attachment in adopted children and parental stress in adoptive families: A randomized controlled trial. *Acta Psychologica*. 2026;262:106015.
16. Sagone E, Commodari E, Indiana ML, La Rosa VL. Exploring the association between attachment style, psychological well-being, and relationship status in young adults and adults—A cross-sectional study. *European journal of investigation in health, psychology and education*. 2023;13(3):525-39.
17. Notsu H, Blansfield RE, Spina DS, Levy KN. An updated meta-analysis of the relation between adult attachment style and working alliance. *Psychotherapy Research*. 2025;35(5):721-34.
18. Ding Y, Huang H, Zhang Y, Peng Q, Yu J, Lu G, et al. Correlations between smartphone addiction and alexithymia, attachment style, and subjective well-being: A meta-analysis. *Frontiers in Psychology*. 2022; 51 (4): 511- 520.
19. Marín-Cavestany M, De la Cruz MÁ, Durán JI, Stiles BJ, Lahera G, Andrade-González N. Influence of Therapist Attachment Style on the Working Alliance in Individual Psychotherapy: A Systematic Review and Meta-Analysis.

Clinical Psychology & Psychotherapy. 2025;32(1):e70025.

20. Sun S, Hong L, Tong S, Zheng M, Sun J, Yan S, et al. Multifactorial associations of non-suicidal self-injury among adolescents with depression: a network analytic perspective. BMC Psychology. 2026;14(1):713.

21. Arora JK. The role of early childhood attachment styles in predicting emotional regulation and coping mechanisms among young adults. International Journal of Interdisciplinary Approaches in Psychology. 2025;3(5):170: 80-: 80.

22. Bagby RM. Measurement equivalence of the Toronto structured interview or alexithymia across language, gender, and clinical status. Psychiatry research. 2025.

23. Zahid A, Taylor GJ, Lau SC, Stone S, Bagby RM. Examining the incremental validity of the Perth Alexithymia Questionnaire (PAQ) relative to the 20-item Toronto Alexithymia Scale (TAS-20). Journal of Personality assessment. 2024;106(2):242-53.

24. Shabani M, Meqdadipour H, Kalroozi F, Moradi M, Galougahi MHK. Student Aggression

in a Military Medical University and Coping Strategies for Dealing With Stressful Conditions: A Cross-Sectional Descriptive-Analytical Study in Iran. Health Science Reports. 2025;8(8):e70899.

25. Betchen SJ. Commitment in Couples Therapy: A Therapist's Guide to Assessing Relationship Durability: Routledge; 2025.

26. Zhang B, Zhang W, Sun L, Jiang C, Zhou Y, He K. Relationship between alexithymia, loneliness, resilience and non-suicidal self-injury in adolescents with depression: a multi-center study. BMC psychiatry. 2023;23(1):445.

27. Sadegh Mohammadi F, Spencer CM. Intimate partner violence and attachment styles as factors associated with coping stress styles among Iranian women. Journal of interpersonal violence. 2025;40(3-4):517-36.

28. Seyam S. Finding Meaning in Loss: The Role of Attachment Styles, Coping Strategies, and Resilience. 2025.